

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهرا (علیهاالسلام) شهرستان اردیل

عنوان:

رابطه ی دنیا و آخرت از منظر «آیات و

روایات»

پژوهشگر:

خدیجه فرض الهی

چکیده

اعتقاد به معاد و زنده شدن مردگان در عالم آخرت یکی از اصلی ترین اعتقادات در همه ی ادیان آسمانی است. قرآن کریم، اعتقاد به معاد و عدل را هم سنگ اعتقاد به خدای یگانه معرفی کرده و در بیش از ثلث آیات قرآنی، درباره ی معاد بحث کرده است. در آیات قرآن پیرامون دنیا نیز فراوان بحث شده است و از دنیا به عنوان مزرعه ی آخرت یاد شده است.

به دلیل گستردگی دامنه ی بحث معاد و با توجه به اینکه شناخت رابطه ی بین دنیا و آخرت مقدمه و پایه ی عمل انسان است و همچنین جایگاهی که آیات و روایات در زندگی انسان دارند، در پژوهش حاضر از بین مباحث مطرح شده در مورد معاد فقط رابطه ی دنیا و آخرت مورد بررسی قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت طرح این مساله با توجه به اینکه انگیزه ی فعالیت های زندگی و رسیدن به کمال، بستگی به تشخیص هدف نهایی انسان دارد، کاملاً آشکار است. بنابراین کسی که حقیقت زندگی خود را فراتر از مادیات می داند باید برنامه های خود را طوری تنظیم کند که برای زندگی ابدیش سودمند باشد. پس برای حصول این امر باید به مسائل دنیوی و اخروی آگاهی پیدا کند. این مقاله شامل مطالب زیر است: دیدگاه آیات و روایات درباره ی دنیا و آخرت و بررسی روابط حاکم میان این دو عالم. تحقیق از نوع بنیادی و به روش توصیفی انجام گرفته است که اطلاعات آن به شیوه ی کتابخانه ای و اسنادی از بین منابع دست اول و دوم در دسترس جمع آوری شده است.

در نتیجه ی نهایی: پیوستگی زندگی دنیا و آخرت این گونه مطرح شده است که دنیا در حقیقت میدان آمادگی و آخرت میدان مسابقه است و انسان باید دائماً در حال خود سازی باشد و باید بداند که این عملکرد او در دنیا است که سعادت یا شقاوت اخروی او را تعیین می کند. کلید واژه ها: رابطه، دنیا، آخرت، آیات، روایات.

مقدمه

حمد و سپاس خدای متعال را که با الطاف خود بر بندگان منت نهاد و به واسطه ی بعث و برانگیختن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به سوی این نعمت آسمانی (قرآن) دعوت کرد. مباحث این تحقیق پیرامون این فرمایش خداوند دور می زند که فرموده است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (سوره شوری آیه 20) «هر کس حاصل مزرعه آخرت را بخواهد ما بر تخمی که کاشته می افزاییم و هر که تنها حاصل کشت دنیا را بخواهد او را هم از آن نصیب می دهیم ولی در آخرت «از نعمت ابدی» نصیبی نخواهد یافت.»

اما اندیشه و انگیزه ای که مرا بر تألیف این مقاله واداشت، این است که مدتها روی آوردن و گرایش جوانان به خواندن کتابهای مذهبی را ملاحظه نمودم و مشاهده کردم در نفس آدمی ایمان به خدا و معاد وجود دارد که گاه و بی گاه آن را با شوق فراوان به سوی شنیدن سخنان در مورد فطرت آدمی و آنچه در پیرامون آن می گذرد، سوق می دهد.

بنابراین با استمداد و استعانت از خداوند متعال کوشش فراوان نمودم تا این مقاله را شروع نموده و به پایان برسانم. با این همه تا چه اندازه در دریافت حق توفیق یافته، قضاوت آن با خواننده گرامی است. به هر حال، آنچه در این صفحات آمده است تلاشی است خُرد درباره ی موضوعی بزرگ که فرایند آن نیز در حد تلاشی است که انجام شده است.

با سلام به تمام انبیاء و مخصوصاً پیامبر عزیز اسلام و جانشینان بر حق آن بزرگوار و بر امام عزیز امت و بر اساتید که در خدمتشان درس خواندم و سلام بر شهیدان هشت سال دفاع مقدس و تمام کسانی که حق آنها برگردن ماست، این مقدمه را به پایان می رسانم و از خداوند پیروزی حق بر باطل را خواهانم.

تعریف دنیا

واژه ی دنیا مونث «اَدْنٰی» است. اگر آن را از «دنی» و «دنائت» بگیریم به معنی پست تر و اگر از «دنو» بگیریم به معنای نزدیک تر است.^۱

زندگی دنیا را دنیا می گوئیم یا از این جهت که نسبت به آخرت پست تر و ناچیزتر است یا از این حیث که این زندگی از زندگی آخرت به ما نزدیک تر است.

در کتاب فرهنگ معین، دنیا نقیض آخرت معرفی شده است.^۲

در جای دیگر دنیا در معنای مذموم و پست به کار رفته است. دنیا در این معنا حجاب اصلی کسب کمالات است و تا انسان از اسارت این دنیا آزاد نشود، پرواز به سوی مقصد توحید میسر نمی شود.

این دنیاست که انسان را از پیمودن مسیر کمال باز می دارد و موجب فریب خوردن او و تباہکاری و ستمگری او می شود.^۳

هدف از خلقت دنیا

هدف خداوند از خلقت جهان، آزمایش و امتحان بندگان خویش است که در دنیا نیکوکاران از بدکاران به روشنی امتیاز پیدا کنند، و در نتیجه شرافت اهل طاعت، و شقاوت و عصیان اهل معصیت معلوم گردد. و این خلقت توضیح و تفصیل از خلقت اجمالی مخلوقات است که قبل از خلقت دنیا واقع شده است. در مراحل متعدد قبلی در معرض تکلیف قرار گرفته و آزمایش شده اند. و این آزمایشات واقع در دنیا و قبل از دنیا بطور کلی و روشن برای اتمام حجت و یا احراز مقام است، که راه عذر و بهانه را به روی اهل معصیت ببندد و موجب سرور و ظهور سعادت اهل طاعت می گردد.

^۱- حسین، راغب اصفهانی، همان کتاب، ص 162

^۲- محمد، معین، همان کتاب، ص 1111

^۳- مصطفی، دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، 1382، ص 29

نخستین مطلبی که در اینجا باید مورد تأکید قرار گیرد این است که سعادت و شقاوت آخرت، تابع رفتارهای انسان در دنیاست و چنان نیست که برای بدست آوردن نعمت های اخروی بتوان در همان عالم، تلاش کرد و کسانی که دارای نیروی بدنی یا فکری بیشتری باشند بتوانند از نعمت های بیشتری بهره مند شوند و یا کسانی بتوانند با حيله و نیرنگ، از دست آوردهای دیگران، سوء استفاده کنند چنان که بعضی از نادانان چنین تصور داشته اند و عالم آخرت را کاملاً مستقل از دنیا می پنداشته اند.^۱

قرآن کریم از قول بعضی از کافران نقل می فرماید:

«وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِّدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا»

«شخص دنیا طلب گفت: گمان نمی کنم که رستاخیز بپا شود و اگر (بپا شد و) به سوی پروردگارم بازگردانده

شدم نیک فرجامتر از نعمت های دنیا را در آنجا خواهم یافت.»^۲

به هر حال! اگر کسی به وجود عالم آخرت به عنوان عالمی کاملاً مستقل از دنیا باور داشته باشد و اعمال نیک و بدی که در اینجا انجام می دهد را مؤثر در نعمتها و عذابهای آن عالم نداند به معادی که یکی از اصول اعتقادی ادیان آسمانی می باشد ایمان نیاورده است.^۳

در تمثیلی زیبا آورده اند که: مرد غریبی وارد شهری شد، دید مردم گرد آمده اند و انجمنی برپاست همین که وارد آن جمع شد به استقبال او آمدند و او را به پادشاهی خود برگزیدند. مدتی گذشت و آن مرد از این ماجرا در شگفت بود. روزی با یک نفر از اهل شهر که بیش از دیگران با او نشست و برخاست داشت، خلوت کرد و حقیقت پادشاهی و حکومت خود را از او سؤال کرد. آن مرد گفت: در این شهر، هر سال یک نفر غریبه را به پادشاهی بر می گزینند و چون سال پایان گرفت، او را برهنه کرده و بی زاد و توشه در بیابانی خشک رها می سازند. پادشاه از شنیدن این

^۱- محمد تقی، مصباح یزدی، آموزش عقاید، همان، ص 429

^۲- سوره ی کهف (18) آیه ی 36

^۳- محمد تقی، مصباح یزدی، آموزش عقاید، همان، ص 430

سخن به خود آمد و مخفیانه دستور داد تا در بیابان حومه شهر، قصری مجهز برایش بنا کنند و انبارهای آذوقه در آن فراهم کنند و نیز خدمتکاران مورد اعتماد خود را به آن جا فرستاد. چون مدت یک سال، سپری گردید، مردم شهر اجتماع کردند و او را برهنه و دست خالی در بیابان رها کردند. او به قصر آماده ی خود وارد شد و نتیجه ی آینده نگری خود را دریافت کرد.

زندگی ما در دنیا، همانند پادشاهی یک ساله ی آن مرد غریب است. پس از مردن، بازماندگان در اولین فرصت ما را از خود جدا می سازند و حتی تاب تحمل جسدمان را برای مدت کوتاهی هم ندارند، آن را در پارچه هایی پیچیده، به دل خاک می سپارند، حال اگر در چند روزه ی دنیا و فرصتی که در اختیار داریم، به فکر آخرت، قبر و عالم برزخ بوده و زاد و توشه فراهم کنیم در جهان دیگر متنعم خواهیم بود.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر پس از جستجو و بررسی به این نتیجه ی نهایی رسیدیم که: بین دنیا و آخرت، هم وابستگی و پیوستگی وجود دارد و هم تقابل و تضاد. پیوستگی بین دنیای ممدوح و آخرت وجود دارد. دنیایی که مقدمه ی آخرت باشد و انسان با تلاش و کوشش و جدّیت در آن، به مقامات عالی انسانی و نعمات جاودانه ی اخروی برسد دنیایی است مرتبط به آخرت. این گونه زندگی دنیوی که آدمی در آن همواره متوجه آخرت باشد، همان حیات معقولی است که پیامبران و رهبران راستین در مقام تبلیغ، به بشر معرفی کرده اند و از آنها خواسته اند که چنین حیاتی داشته باشند. این زندگی، به ظاهر، زندگی در دنیاست، ولی مغز و باطن آن، حیات اخروی است و کسی که همیشه متوجه آخرت باشد، هیچ گاه احساس پوچی و رکود نمی کند و اما رابطه ی تقابل و تضاد، بین دنیای مذموم و آخرت وجود دارد که هیچ گاه جمع شدنی نیستند. کسی که حیات دنیا را هدف خویش قرار داده، و فقط طالب متاعی است که نفس او از آن لذّت ببرد، چنین انسانی به دنبال دنیا نمی رود مگر این که از آخرت دور می گردد تا جایی که کاملاً آخرت را فراموش می کند. پس اگر کسی دنیا را هدف خویش قرار دهد، عمر خویش را که تنها سرمایه ی اوست، از کف داده و چیزی در مقابل بدست نیاورده است، مگر لذاذذ زودگذر، و به هنگام مرگ دستش از زاد و توشه خالی خواهد بود؛ اما آنکه آخرت را هدف خویش قرار می دهد، دنیا را نردبانی برای رسیدن به کمالات انسانی می داند و با سعی و کوشش دنیا را به قصد رسیدن به نعمات جاودانه ی اخروی سپری می کند. می توان گفت در حقیقت دنیا ابزار و وسیله ای است که فی حد نفسه نه خوب است و نه بد، بلکه خوبی و بدی آن به چگونگی استفاده ی ما از آن بستگی دارد.

منابع و مآخذ

- قرآن مجید
- نهج البلاغه

- 1- تقی زاده خشکباری، عباس، اسباب غفلت از خدا، ج 1، نشر بطحاء، 1382.
- 2- جباران، محمد رضا، درس نامه ی علم اخلاق 2، چاپ چهارم، قم، انتشارات هاجر، 1387.
- 3- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، بی جا، مؤسسه ی نشر و تحقیقات ذکر، 1382.
- 4- راغب اصفهانی، حسین، ترجمه ی مفردات الفاظ القرآن، ترجمه ی مصطفی رحیمی نیا، چاپ دوم، تهران، نشر سبحان، 1388.
- 5- شمس الدین، مهدی، دنیا در نهج البلاغه، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1366.
- 6- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول کافی، مصحح محمد خواجهوی، ج 1، چاپ اول، تهران، مؤسسه ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1383.
- 7- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، چاپ خانه ی سپهر، 1363.
- 8- فرقانی، قدرت الله، احمد حیدری، عبدالله ابراهیم زاده، اندیشه ی دینی (1)، چاپ دوم، تهران، انتشارات تحسین، 1383.
- 9- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم حمید رضا شیخی، ج 4، چاپ پنجم، دارالحديث، 1384.
- 10- صباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، چاپ سی و دوم، تهران، سازمان چاپ و نشر بین الملل، 1377.

11- مطهری، مرتضی، زندگی جاوید یا حیات اخروی، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات صدرا، 1388.

12- _____، سیری در نهج البلاغه، چاپ سی و ششم، تهران، انتشارات صدرا، 1386.

13- معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة و الاعلام فارسی، چاپ ششم، ترجمه ی محمد بندر ریگی، ج 1، تهران، انتشارات ایران، 1386.

14- معین، محمد، فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، به اهتمام عزیز الله علی زاده و محمد نامنی، ج 2، چاپ دوم، تهران، چاپ دیبا، 1386.

15- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، تفسیر نمونه، ج 26، چاپ بیست و هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامی، 1386

کتاب عربی

1- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، الخصال، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، 1403 ق.

2- _____، من لایحضره الفقیه، ج 3، چاپ

دوم، قم، جامعه ی مدرسین، 1404 ق

3- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 17، چاپ دوم، قم، مؤسسه ی آل البيت لا حياء التراث، 1414 ق.

4- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، 8 جلد، چاپ دوم، قم، دارالحديث، 1387.

5- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، عین الحیات، ویرایش کاظم عابدینی مطلق، چاپ پنجم، قم، بوستان کتاب، 1386.